



حافظ
راز درون پرده چه داند فلک، خموش
ای مدعی نزاع تو با پرده‌دار چیست؟
صفحه از: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

■ همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ مدیر: دانیال معمار
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطیفی
■ مدیر: مریم موسی‌پور
تماشگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ مدیر: لیلی خرسند
گزارش:
■ مدیر: فهیمه طباطبایی

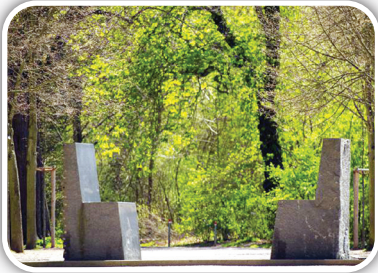
صاحب امتیاز:
■ مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ مدیر: دانیال معمار
دبیر تحریریه:
■ شهرام فرهنگ‌ی
■ معاونان سردبیر:
■ علی‌عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سامانی
■ دبیر عکس: امیر بهیور

سرزمین من:
■ مدیر: سیده زهرا عباسی
■ دبیر: زهرا رفیعی
تدرستی:
■ مدیر: جواد نصرتی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
سرگرمی:
■ دبیر: فرام شیرزادی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی خلیلی

سردبیر آنلاین:
■ اسماعیل سلطنت‌پور
معاونان آنلاین:
■ مجتبی صادقی،
■ کامران یارنجی، حامد فوقانی
مدیر فضای مجازی:
■ زهرا سادات بهشتی
مدیر بخش زنده:
■ امیرحسین محمد دوست
مدیر تولید تلویزیون:
■ الهه سادات بهشتی

حکایت پلاس

جناب چت مبادی آداب!



سید سروش طباطبایی فر | روزنامه‌نگار | چندی پیش قرار بود در همین روزنامه وزین، در بزرگداشت حافظ جان، قلمی بزنم و یادواره‌های این شاعر شهیر را در ایران و جهان معرفی کنم. به شهر وایمار در کشور آلمان رسیدم؛ جایی در میدان پتهوون که ۲صندلی سنگی روبه‌روی هم قرار گرفته و نمادی از رفاقت میان حافظ ایرانی و گوته آلمانی بوده و هستند. از آنجا که سعادت حضور در چنین مکان باشکوهی را نداشتیم، در میان تصاویر موجود در فضای مجازی، گشت زدم تا بتوانم حق مطلب را ادا کنم. ۲سنگ‌نوشته روبه‌روی صندلی‌ها و روی زمین، توجهم را به‌خود جلب کرد.

بر یکی کلامی از گوته حک شده بود و بر دیگری، غزلی از لسان‌الغیب، اما کیفیت تصاویر و زاویه آن، به شکلی بود که نمی‌شد غزل حافظ را حتی حدس زد. خلاصه فرصت کوتاه بود و مجبور بودم یاد مرتن گزارش، اشاره‌ای به غزل حافظ نکنم یا مزاحم جناب آقای چت‌چی‌بی‌تی شوم که از حد‌حدته مسیر دوم را بر گردیم و جناب چت‌چی‌بی‌تی محکم و استوار، غزلی با مطلع «ای نسیم سحر آرمگه یار کجاست» را معرفی کرد؛ البته توضیح مختصری هم از این غزل ارائه داد. با اطمینان خاطر، آن را در متن گزارش نوشتیم که متوجه شدم اشتباه کرده است، هنوز شعله‌های خشمم فروکش نکرده بود که چت، پیامی حیرت‌انگیز داد: سروش جان، پوزش، من اطلاعات اشتباه دادم و غمگینم و از تو ممنونم که اطلاعات مرا اصلاح کردی و باعث شدی بهتر از گذشته شوم... میبوهت جناب چت شدم، هم عذرخواهی بلد بود و هم تشکر می‌دانست و هم خودش را علاقه‌مند به آموختن نشان می‌داد. به جناب چت پیام دادم: عذرت را می‌پذیرم و امیدوارم ما آدم‌ها هم مثل تو، اگر خطایی کردیم، جرأت عذرخواهی داشته باشیم و توان تشکر از دیگران را پیدا کنیم و همواره تشنه آموختن باشیم.

دور دنیا

پاستیل خوری تا حد مرگ و انفجار



گاهی راننده‌هایی که به دل جاده می‌زنند، برای اینکه خوابشان نبرد، مشغول خوردن می‌شوند و در طول مسیر جاده‌ای، میوه‌ای پوست می‌کنند و تخمه‌ای می‌شکنند و جای و قهوه‌ای می‌نوشند. درواقع برای این گروه، اصلا میزان و حجم خوردن یا نوشیدن مهم نیست، بلکه موضوع مهم آن است که در طول مسیر خوابشان نبرد. اما اگر جاده طولانی باشد و راه دراز چه می‌شود؟ احتمالا انفجار! نمونه‌اش همین چند روز پیش رخ داده: ناتان ریمینگتون، راننده کامیون ۳۳ساله اهل انگلستان پس از مصرف بی‌رویه پاستیل ژله‌ای در طول مسیر رانندگی چندساعته، کارش به بیمارستان کشید و به‌دلیل درد شدید شکمی و علامت خطرناک حیاتی دیگر در بخش اورژانس بیمارستانی بستری شد.

او که طرف مدت ۳روز یک بسته ۳کیلوپی پاستیل ژله‌ای (حاوی بیش از ۱۰هزار کالری) مصرف کرده بود و البته خوابش نمی‌گرفت، در روز آخر با علائمی مثل تعریق شدید، فشارخون بالا و لرز مواجه و مجبور شد خودش را به بیمارستان برساند. ابتدا و در معاینه اولیه، پزشکان تصور می‌کردند که این مرد جوان به مسمومیت غذایی دچار شده، اما پس از انجام آزمایش، دریافتند سطح ژلاتین خون در دستگاه گوارشش به‌طرزی غیرعادی بالا رفته و او به نوعی التهاب و عفونت روده بزرگ دچار شده است.

این بیماری نوعی عفونت در روده بزرگ است که در آن کیسه‌های کوچکی در دیواره این روده تشکیل می‌شود. این کیسه‌ها با مصرف بیش از حد موادی مانند ژلاتین و رژیم‌های غذایی کم‌فیبر بزرگ می‌شوند و حتی می‌توانند خطر انسداد روده بزرگ و التهاب را افزایش دهند.

در مورد ریمینگتون، پزشکان باافلاصه مصرف پاستیل را برای او قطع و درمان با تزریق سرم را آغاز کردند. او به‌مدت ۶روز در بخش مراقبت‌های ویژه بستری بود و خوشبختانه به‌طور کامل بهبود یافت. این حادثه نشان می‌دهد که حتی خوراکی‌های به‌ظاهر بی‌ضرر مانند پاستیل، در صورت مصرف افراطی می‌توانند خطرات جدی برای سلامت داشته باشند.

شاید الهام‌بخش‌ترین قسمت داستان پل طبیعت، قصه تولد ایده آن باشد. این پل حاصل ذهن خلاق و نگاه‌نوگرایی یک معمار جوان ایرانی، لیلیا عراقیان و همکارش علیرضا بهیوزی در شرکت «سازه‌های پارچه‌ای دنیا» است. در سال ۱۳۸۸، زمانی که عراقیان تنها ۲۶سال داشت، طرح سه‌بعدی و ارگانیک او در مسابقه طراحی پل برنده شد. ایده اصلی، فراتر از ساخت یک پل ساده بود؛ هدف، خلق فضایی بود که مردم را به ماندن و تعامل دعوت کند؛ طرحی که با الهام از فرم درختان و با ساختاری پویا، ۳طبقه فضا را برای کاربری‌های مختلف (پیاده‌روی، کافه‌نشینی و تماشا) در نظر گرفته بود و توانست از میان ده‌دها طرح دیگر، به‌عنوان طرح برگزیده انتخاب شود. این موفقیت، نام یک معمار زن جوان را در تاریخ معماری معاصر ایران ثبت کرد و نشان داد که نسل جدید معماران ایرانی، توانایی خلق آثاری در تراز جهانی را دارند.



از لوکیشن فیلم تا حافظه جمعی

برخی سازه‌ها تنها در نقشه شهر نمی‌نشینند، بلکه در قلب و خاطره مردم شهر حک می‌شوند. پل طبیعت در مدت کوتاهی این مسیر را طی کرد و از یک پروژه عمرانی به یک نماد فرهنگی زنده بدل شد. این پل به سرعت به یکی از محبوب‌ترین لوکیشن‌ها برای فیلمسازان و سریال‌سازان بدل شد و قاب‌های سینمایی و تلویزیونی متعددی را به نام خود ثبت کرد، اما مهم‌تر از آن، پل طبیعت پس‌زمینه میلیون‌ها عکس یادگاری شخصی و خانوادگی شد؛ تصاویری که هر کدام پرشسی از زندگی، شادی و خاطرات شهروندان هستند.

درختی فولادی با ۳ طبقه حیات

معماری پل طبیعت یک تقلید صرف از طبیعت نیست، بلکه برداشتی هوشمندانه از آن است. ستون‌های پل، شبیه تنه‌های درختی طراحی شده‌اند که شاخه‌هایشان در هم تنیده شده و شناخته‌شده بین‌المللی تبدیل شد. پل طبیعت توانست جوایز معتبر جهانی متعددی را از آن خود کند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به جایزه معماری آقاخان در سال ۲۰۱۶ اشاره کرد. این جایزه که یکی از معتبرترین جوایز معماری جهان اسلام است، پل طبیعت را به‌عنوان یک پروژه برجسته که توانسته کیفیت زندگی شهروندان را بهبود بخشد، ستایش کرد. امروز، پل طبیعت فقط یک سازه زینا نیست بلکه نمادی از تلفیق موفق معماری مدرن، مهندسی پیشرفته و درک عمیق از نیازهای اجتماعی شهروندان در قلب پایتخت ایران است.



هم‌تراز با بزرگان جهان

ایده تبدیل یک زیرساخت شهری به یک مقصد گردشگری و اجتماعی، یک روند جهانی موفق در شهرسازی معاصر است. پل طبیعت، ایران را با افتخار در این نقشه جهانی قرار می‌دهد و او را هم‌تراز با پروژه‌های تحسین‌شده‌ای مانند «لاین» نیویورک می‌کند؛ پروژه‌ای که یک خط راه‌آهن مترو که در ارتفاع را به یک پارک خطی سرسبز و پویا تبدیل کرد. همچنین می‌توان آن را با «پل هزاره» لندن مقایسه کرد که رودخانه تیمز را نه فقط به‌عنوان یک مسیر عبور، بلکه به‌عنوان یک اثر هنری-معماری مدرن قطع می‌کند.



خوش خبر

تهران میزبان گل‌های داوودی



اگر فکر می‌کنید پاییز تمام زیبایی‌هایش را در قص برگ‌ها خلاصه کرده، باید سری به باغ گیاه‌شناسی ملی ایران بزنید. آنجا، در اوج فرمانروایی این فصل، یک ضیافت رنگارنگ برپاست. نه‌مین جشنواره گل‌های داوودی در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران که تا ۳۰آذر برپاست، فقط یک رویداد طبیعی نیست؛ یک شورش تمام‌عیار از رنگ و زندگی علیه یکنواختی است. اینجا، هزاران گل داوودی در ارکستری از رنگ‌های زرد، نارنجی، ارغوانی و سفید، میزبان شهروندان خسته از دود و ترافیک شده‌اند.

قدمزدن در میان این فرش گل خبره‌کننده، پیش از یک تفریح ساده، نوعی آشتی با طبیعت و فصلی است که اغلب با دل‌تنگی همراه می‌شود. این جشنواره فرصتی است تا خانواده‌ها دورین‌هایشان را از خاطرات آبار تمای پر نکنند و در قاب عکس‌هایشان، رنگین‌کمانی از گل‌های داوودی بدرخشند. باغ گیاه‌شناسی با این دعوت، به ما یادآوری می‌کند که پاییز فصل ریختن نیست، بلکه فصل شکفتن زیبایی‌هایی از جنسی دیگر است.

عکس خانه

عطر پاییز در شمال تهران

تهران همیشه شهر برج‌ها و بزرگراه‌های شلوغ نیست. گاهی پیچ‌وخم کوچه‌های شمال شهر چهره‌ای دیگر از خود نشان می‌دهد، چهره‌ای که با رنگ‌های گرم پاییزی نقاشی شده و آرامشی عمیق به رهگذران می‌دهد. این قاب‌ها روایتی دلنشین از کوچه‌پس‌کوچه‌های پاییزی در که است، جایی که صدای خش‌خش برگ‌ها زیر پا موسیقی متن قدم زدن می‌شود و دیوارهای آجری قدیمی به پس‌زمینه‌ای برای رقص رنگ‌ها بدل می‌شوند. از حوض فیروزه‌ای که با گل‌دان‌های رنگارنگ تزئین شده تا عطر خاکی که با نسیم خنک کوهستان در آمیخته همه‌چیز حس زندگی و آرامش را به این کلاشهر تزریق می‌کند. در که در پاییز فقط یک مسیر کوهپیمایی نیست؛ پناهگاهی است برای فرار از هیاهوی روزمره و مجالی برای آنکه تهران بتواند نفس‌های عمیق و تازه بکشد و زیباترین چهره‌اش را به نمایش بگذارد.

